

نظام جهانی جنسیت و سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه مطالعه موردی: دوره وزارت هیلری کلینتون

سعیدرضا عاملی رنالی*

زهره نصرت خوارزمی**

چکیده

«تغییر نظام جنسیت» فرآیندی جهانی و اجتناب‌ناپذیر است. امروز بیش از هر زمان دیگر «جایگاه زنان»^۱ به معیار و ملاک ترقی جوامع و تمدن‌ها بدل گشته است. نظام جنسیتی در جهان حاضر مبتنی بر الگویی از ارزش‌های مدرن است و طبق شواهد تاریخی موجود، ایالات متحده نقش مؤثری در تعریف «جایگاه زنان» از بُعد هنجاری و مکانیزم ایفا نموده است.

مطالعه حاضر، دوره تصدی هیلاری کلینتون در وزارت خارجه را نماینده‌ای از تاریخ آمریکا می‌داند که در آن جایگاه زنان به یکی از

* استاد گروه مطالعات آمریکا و رئیس دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ ssameli@ut.ac.ir

** دکترای مطالعات آمریکا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران؛ zkharazmi@ut.ac.ir

اصلی‌ترین محورهای سیاست خارجی آمریکا بدل شده‌است. در این مطالعه، مفهوم «تأثیر هیلاری» به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در سیاست مداخله‌جویی آمریکا در امور زنان مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد. نکته مورد تأکید در این مقاله آن است که آمریکا از تبادلات آکادمیک و برنامه‌های دانشگاهی به منظور به تحرک درآوردن نسلی از زنان تحصیل‌کرده مسلمان به‌عنوان منبع «تغییر» و «دموکراسی سازی» در منطقه استفاده می‌کند.

دو پروژه تک‌ویمن^۱ و نکست‌اسکالرز^۲ برای مطالعه موردی و جهت معرفی کلیتی از استراتژی‌های آموزشی عمده آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا انتخاب شده‌اند. نتایج مطالعه موردی حاکی از به‌کارگیری استراتژی‌هایی که ذکر خواهد شد هستند: الف) تشویق زنان برای ایفای نقش رهبری و دموکراسی سازی آینده؛ ب) محوریت بخشیدن به زبان انگلیسی به‌عنوان ابزار ارتباطی؛ ج) برنامه‌ریزی براساس انگیزه‌های دوسویه؛ د) ایجاد حس توانمندی، افزایش حس مشارکت و تقویت حس تعلق خاطر به فرهنگ و تفکر سیاسی آمریکایی.

واژگان کلیدی

زن مسلمان، قدرت نرم آمریکا، دیپلماسی آکادمیک، خاورمیانه.

مقدمه

در قرن ۲۱، زنان و دختران حیاتی متفاوتی از مادران خود را تجربه می‌کنند و توسعه مبتنی بر «برابری جنسیتی»، پنجمین هدف در میان اهداف توسعه پایدار^۳ برای پسا ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد. بشر پا به نظم نوین جهانی گذارده که مشخصه آن، به قول ریتا کلی، «تغییر نظام جنسیتی» است (۲۰۰۱: ۱۵۴).

اگر در سال‌های نه‌چندان دور جنسیت به‌سادگی با توضیح ویژگی‌های بدیهی و اعضای بدن و اندام جنسی همراه بود، امروز تمام این سیستم فکری برهم‌ریخته است؛ و باور به این‌که جنسیت برخاسته از طبیعت نیست، آن را به حوزه‌ای پرمناقشه و بیشتر

1. TechWomen
2. NeXt Scholars Initiative
3. Sustainable Development Goals



یک برساخته فرهنگی متبلور در تکثری از بازنمایی‌های نمادین تبدیل کرده‌است (سندی و دیگران، ۱۹۹۰، ص: ۵). مفهوم جنسیت در بیان شلیگل شامل «شیوه‌ای است که از اعضای دو جنس انتظار می‌رود طبق آن درک و ارزیابی شده و رفتار کنند» (به نقل از فرارو و دیگران، ۱۹۹۲: ۲۸۲). لذا، طبق تصریح کلر راسموسن (۲۰۰۹: ۴) کشف هرگونه «توزیع قدرت در طول خطوط تفاوت جنسیتی» کاری نبوغ‌آمیز خواهد بود.

نظام جنسیتی شامل «دسته‌ای از روابط متقابل جنسیتی و نهادهای جنسیتی» شده‌است (والبی و دیگران، ۲۰۰۹: ۳۰۱) «معانی» بخصوصی را بر تمایزات موجود بیولوژیکی تحمیل می‌نماید (راسموسن، ۲۰۰۹: ۴). نظام جنسیتی فعلی در جهان محصول دوران بعد از جنگ سرد و تفوق «ارزش‌های مدرن» است. غرب در این زمان خود را در موقعیت برتر و دارای «گفتمان غالب» برای تعریف مفهوم زن و کیفیت مناسب زندگی او می‌داند. در نتیجه، نظام غالب جهانی جنسیت که بخصوص تبلور آن در سازمان ملل متحد قابل پیگیری است امروز همه کشورها را متعهد به بازنگری مرتب وضعیت زنان و ارائه گزارش برطبق آن، صرف‌نظر از تمامی تفاوت‌هایی کرده‌است که میان استانداردهای بین‌المللی و ملاک‌های این «جایگاه» در فرهنگ‌های غیر غربی و متن‌های تمدنی مختلف وجود دارد.

«جایگاه زنان»: رویکردی جهانی

نظام جهانی جنسیت که از عناصر اصلی و مهم تغییر در جهان معاصر و آغاز راه گفتمان محوری «جایگاه زنان» در توسعه محسوب می‌شود، خود نیز دارای قابلیت تغییر است. همان‌طور که نادیا حجاب می‌گوید، امروز «جایگاه زنان تبدیل به شاخص اصلی مدرنیته جوامع شده‌است» (به نقل از حداد و دیگران، ۱۹۹۸: ۷). لارا دیب نیز تأکید می‌کند که «جایگاه زنان» همان استاندارد جهانی برای ارزیابی درجه «مدرنیته» فرهنگ‌ها و کشورهاست (۲۰۰۶: ۳۰).

نقش آمریکا در برساختن مفروضات جهانی «جایگاه زنان» بسیار قابل توجه است. آمریکا نسخه اولیه این مفهوم را در داخل و در دورانی پی‌ریزی کرد که نهادگرایی جهانی را در قالب تأسیس لیگ ملت‌ها^۱ در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دنبال می‌نمود

(هیویت، ۲۰۱۰: ۱۵۳). از شکل‌گیری جنبش اتحادیه پان آمریکن^۱ تا تصویب «لایحه جایگاه زنان»^۲ (۱۹۴۶) که به‌نوبه خود منجر به تشکیل کمیسیون ریاست جمهوری جایگاه زنان^۳ گشت؛^۴ موضوع جایگاه زنان می‌رفت تا در ابعاد مختلف جامعه آمریکایی جای خود را باز کند.

نظام در حال تغییر جنسیت، حاصل شبکه‌ای از ایده‌پردازی‌ها، کارسازمانی و مجموعه برنامه‌هایی است که مفهوم «جایگاه زنان» را ساخته، پرداخته و آن را به‌عنوان یک پروژه جهانی از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۵ تثبیت نمودند. با شکل‌گیری سازمان ملل به‌عنوان یک ابزار حکومت جهانی از سوی آمریکا، فرصتی برای غرب و به‌خصوص آمریکا ایجاد شد تا تدریجاً زبان مشترکی در زمینه «جایگاه زنان»، استدلال‌ها و ساختارهای مربوطه، میان کشورهای عضو ایجاد نمایند (برت و فرانک، ۱۹۹۹). دوره زمانی بین امضاء منشور سازمان ملل در ۱۹۴۵ و چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن (۱۹۹۵) را باید لحظات تاریخی برای درک نظام «جهانی» جنسیت در اکنون دانست. بدین ترتیب، منشور سازمان ملل (۱۹۴۵) و بیانیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) از منابع اصلی هستند که به برابری، حقوق بشر و آزادی‌های کامل برای همه، از جمله زنان، قائل‌اند. منشور سازمان ملل بر استانداردهای «عاری از هرگونه تبعیض براساس نژاد، جنس، زبان، یا مذهب» و بیانیه جهانی حقوق بشر بر استانداردهای «بدون هیچ نوع تبعیض اعم از نژاد، رنگ پوست، جنس، زبان، مذهب، ... محل تولد و غیره» تأکید می‌کند.

زنان دولتی آمریکایی از پیش‌آهنگان فرایند تشکیل گفتمان حاضر بودند: ویرجینیا گیلدراسلیو تنها زن منتخب از سوی فرانکلین روزولت برای عضویت در هیئت آمریکایی تقریر منشور سازمان ملل و یکی از مجموع چهار زن^۵ حاضر در میان ۱۶۰ امضاءکننده این منشور بود (اسلام، ۲۰۱۴: ۱۵) و یا در نمونه دیگر، دوروتی کنیان، نماینده آمریکا و یکی از پانزده عضو اصلی کمیسیون مقام زن بوده است.^۶

1. Pan-American Union

2. Women's Status Bill

3. Presidential Commission on the Status of Women

۴. این طرح آمریکا را تبدیل به یکی از اولین کشورهایی نمود که «جایگاه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی زنان و ماهیت ابعاد تبعیض مبتنی بر جنسیت» به‌صورت سالانه باید مورد بررسی و مرور قرار می‌گرفت، هرچند این طرح تا دهه ۱۹۶۰ در عمل به اجرا درنیامد (هیویت، ۲۰۱۰: ۱۵۴).

۵. سه زن دیگر: مینروا باماردینو (جمهوری چک)، برتا لوتز (برزیل) و وو بی فنگ (چین).

۶. این زیرکمیته در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ایجاد شد که در سال ۱۹۴۶ تبدیل به کمیته‌ای مستقل شد.



«جایگاه زنان»: «تعهد» سیاست خارجی آمریکا

ایالات متحده ارتباط معناداری میان پیشبرد حقوق و آزادی زنان و به اصطلاح «رسالت» خود در صیانت از صلح جهانی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم متصور بوده است. اینور روزولت، همسر رئیس جمهور سابق آمریکا، در اجلاس‌های ابتدایی خود در مجمع سازمان ملل در لندن (فوریه، ۱۹۴۶)، «زنان جهان» را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

ما دولت‌های جهان را فرامی‌خوانیم تا زنان را در هر گوشه از این جهان برای مشارکت فعال در امور ملی و بین‌المللی تشویق نمایند و از زنان آگاه به موقعیت‌هایشان دعوت می‌کنیم تا پیش بیایند و امر صلح و بازسازی را نیز همچون امور جنگ و مقاومت عهده‌دار شوند (به نقل از گزارش ویژه سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۱۵).

آمریکا برای چند دهه و تا موعد برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ در پکن به‌طور جدی درگیر ساخت گفتمانی برای زنان بود. در نشست مذکور، اسناد اصلی شامل بیانیه و راهنمای عمل پکن^۲ به تصویب رسید که همچنان از اسناد بالادستی در تبیین استانداردهای جهانی برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان محسوب می‌شود.

«بگذارید حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق زنان، حقوق بشر باشد، یک‌بار برای همیشه». ایراد این کلمات در بیانیه پکن بود که نام هیلاری کلینتون، بانوی اول کاخ سفید در آن زمان را به نامی جهانی تبدیل کرد. وی جنبشی جهانی برای زنان را تحت قیمومیت و رهبری آمریکا راه‌اندازی کرد که هنوز هم با عنوان «تأثیر هیلاری»^۳ شناخته می‌شود (پارکر، ۲۰۱۳).

هیلاری کلینتون هنوز هم به‌عنوان نماد «تعهد جهانی آمریکا» برای پیشبرد حقوق بشر زنان و مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان شناخته می‌شود. همان‌طور که سند استراتژی آمریکا برای پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسیت - محور در جهان^۴ (۲۰۱۲) تأکید می‌کند: «برابری جنسیتی و پیشرفت زنان و دختران» به رهبری کلینتون در دوره وزارتش در امور خارجه «به صف اول سه محور سیاست خارجی آمریکا

1. UN Special

2. Beijing Declaration and its Plan of Action

3. Hillary Effect

4. United States Strategy to Prevent and Respond to Gender-based Violence Globally

یعنی دیپلماسی، توسعه و دفاع پیوست»؛ بنابراین در این بخش، به گوشه‌ای از اقدامات کلینتون در همین راستا می‌پردازیم:

۱. هیلاری کلینتون ابتدا تلاش کرد موانع موجود در داخل مرزهای آمریکا را بر طرف کند. مدالین برودین، ستون نویس روزنامه گاردین (۲۰۱۱)، معتقد است، هیلاری کلینتون موفق شد موضوع حقوق زنان را به «موضوع حیثیتی» آمریکا در سیاست خارجی بدل کند.
۲. کلینتون ساختارهای سازمانی و مدیریت منابع انسانی را نیز با همین هدف مورد تغییر و نوسازی قرارداد. پست‌های جدیدی چون فرستاده ویژه امور جهانی زنان وزارت خارجه^۱ و هماهنگ‌کننده ارشد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در برنامه اداره توسعه بین‌المللی آمریکا^۲ را او ایجاد کرد. مشاوران حوزه جنسیت در فرماندهی مرکزی آمریکا^۳، نیروی کمکی امنیت بین‌الملل ناتو^۴، تیم‌های عملیات زنان نیروی دریایی و تیم‌های پشتیبانی فرهنگی ارتش در صحنه‌های جنگ همچون افغانستان منصوب شدند تا به این ترتیب مشارکت زنان محلی در فرایند ایجاد «ثبات» مورد بازنگری قرار گیرد.
۳. در طول تصدی کلینتون در وزارت خارجه بود که راهنمای سیاسی پیشبرد برابری جنسیتی برای کارکنان وزارت امور خارجه (۲۰۱۲) برای اولین بار منتشر شد و هدف از آن تأمین اطلاعات موردنیاز کارکنان وزارتخانه در زمینه «چگونگی پیشبرد برابری جنسیتی در جهت منافع سیاست خارجی آمریکا» بود.
۴. کلینتون در طول دوره وزارت خود از ۱۱۲ کشور، از چین گرفته تا زیمبابوه، دیدن کرد. در طول تمام این سفرها، برای اولین بار در تاریخ آمریکا فرستاده ویژه وی در امور جهانی زنان، ملانی ورویر^۵، وی را همراهی می‌کرد (پارکر، ۲۰۱۳). در حقیقت، در تمام این دوران کلینتون در تلاش بود جغرافیای قدرت آمریکا را توسعه دهد. او پتانسیل فراموش‌شده

1. Department of State's Ambassador-at-Large for Global Women's Issues
 2. USAID's Senior Coordinator for Gender Equality and Women's Empowerment
 3. U.S. Central Command
 4. NATO's International Security Assistance Force (ISAF)
 5. Melanne Verveer



شهروندان زن در کشورهای در حال گذار سیاسی را به منبعی برای «قدرت مدنی» آمریکا در سطح بین‌المللی بدل کرد. کلینتون خود این فرایند را «تلاش مستمر برای ارتقاء مردمی» توصیف می‌کند که رهبران جوامع خودشان حتی آن‌ها را نمی‌شناسند... آمدن من عرصه‌ای برای وجود به آن‌ها می‌بخشد که می‌تواند شانس تلاش برای تغییر در اولویت‌های دولت‌ها را ایجاد کند» (به نقل از شریدان، ۲۰۰۹).

۵. در سطح بین‌المللی، هفت قطعنامه در رابطه با زنان، صلح و امنیت توسط شورای امنیت سازمان ملل^۱ به تصویب رسید، در حالی که آمریکا را باید از حامیان تمامی آن‌ها دانست. طبعاً، هیلاری کلینتون مشارکت زنان در صلح و امنیت را بر مبنای دغدغه‌های امنیتی آمریکا بر ساخته است. این ایده در اسناد استراتژیک مهمی همچون استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۰) قابل مشاهده است؛ در این سند آمده: «تجربه نشان داده است که کشورهای صلح‌آمیزتر و ثروتمندترند که زنان در آن از تمامی حقوق و فرصت‌ها برابر هستند».

۶. هیلاری رویکرد امنیتی مرسوم آمریکا را که زمانی با گسترش تسلیحات و توان نظامی سنجیده می‌شد، از نو بنا کرد. برای او، پیشرفت زنان و توسعه مشارکت سیاسی آنان طیفی از دغدغه‌ها را اعم از «نابرابری محض جنسیتی و تندروری سیاسی» در برمی‌گیرد (بانتینگ، ۲۰۱۱).
کاخ سفید اولین برنامه عمل ملی آمریکا^۲ برای زنان، صلح و امنیت (دسامبر ۲۰۱۱) را به‌عنوان سندی تاریخی منتشر کرد. این اولین چارچوب حقوقی و سیاسی است (شومیکر، ۲۰۱۲) که تأکید می‌کند «مشارکت و حمایت از زنان به‌عنوان عاملان صلح و ثبات در رأس تلاش آمریکا برای توسعه امنیت، پیشگیری، واکنش و حل نزاع و بازسازی جوامع است» (تأکید افزوده شده).

۷. پیش از دوره تصدی هیلاری، بررسی ابعاد سیاست خارجی کاستی‌هایی داشت؛ بنابراین، اولین سند مرور چهارساله دیپلماسی و توسعه^۳ در آن

۱. قطعنامه‌های ۱۳۲۵ (۲۰۰۰)، ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۹ (۲۰۱۰)، ۲۱۰۶ و ۲۱۲۲ (۲۰۱۳).

2. NAP, National Action Plan

3. Quadrennial Diplomacy and Development Review (QDDR)

زمان از سوی هیلاری کلینتون و به منظور ارزیابی دقیق تمامی تلاش‌های دیپلماتیک و کمک‌های بین‌المللی آمریکا راه‌اندازی شد. این سند با همان تأکید مؤکد استراتژی کلینتون بر توانمندی‌های زنان و دختران قابل‌بازشناسی است. «لحاظ کردن جنسیت در دیپلماسی و توسعه» به‌عنوان اصلی مهم در این سند ارزشیابی چهارسالانه تجویز شده است. همچنین در این سند آمده است «جایگاه زنان جهان نه فقط موضوعی اخلاقی - که موضوع مربوط به امنیت ملی [ایالات متحده] است» (سند مرور چهارساله دیپلماسی و توسعه، ۲۰۱۰).

درنهایت، باید گفت هیلاری کلینتون را می‌توان چهره اصلی دانست که ذهنیت آمریکایی را برای «ارتقاء موضوع جنسیت در سیاست و عرصه عمل» آماده ساخت. ورود او به وزارت خارجه میراثی را به‌جای گذارد که «تضمین می‌کند [فاکتور] جنسیت در تمامی نمایندگی‌ها و مأموریت‌ها، تخصیص بودجه و برنامه‌ریزی و تعریف شاخص‌های توسعه و نظام ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های ما (آمریکا) در رابطه با زنان و دختران، مدنظر قرار گیرد» (سند مرور چهارساله دیپلماسی و توسعه، ۲۰۱۰).

توانمندسازی زنان مسلمان

تحصیل زنان در کشورهای اسلامی با بیم‌ها، امیدها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است. گزارش جهانی شکاف جنسیتی از سوی فروم اقتصادی جهان^۱ (۲۰۱۴) شکاف‌های میان مردان و زنان را در عوامل اساسی چون توانمندسازی و مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، برخورداری از تحصیل و سلامت و طول عمر بررسی می‌کند. این گزارش حاکی از آن است که از میان ۱۴۲ کشور، ۲۰ کشور با بدترین رتبه‌ها از حیث شاخص‌های مذکور، یمن، پاکستان، چاد، سوریه، مالی، ایران، ساحل عاج، لبنان، اردن، مراکش، گینه، موریتانی، عربستان سعودی، مصر، عمان، اتیوپی، الجزیره، ترکیه، بحرین و تونس هستند. این بدان معناست که غیر از اتیوپی، تمامی این کشورها، کشورهای با جمعیت غالب مسلمان^۲ هستند.

1. World Economic Forum

۲. البته این موضوع را نمی‌توان صرفاً به فاکتور دین در میان جمعیت مذکور ربط داد. بلکه اغلب این کشورها در سطح حکومتی توسط حکومت‌های دیکتاتوری و یا سکولار تحت حمایت غرب اداره می‌شوند.



از بین ده کشوری که بدترین آمار مربوط به برخورداری از تحصیل کودکان را دارند، نیز شش کشور مسلمان هستند: مالی، پاکستان، ساحل عاج^۱، بوركینافاسو، نیجر و یمن (اسدالله، ۲۰۱۴).

تحصیل زنان در کشورهای عربی نیز آمارهای جالب توجهی دارد: دختران نسبت به پسران کمتر به مدرسه می‌روند و دختران ۵۴ درصد از جمعیت کودکان محروم از تحصیل را تشکیل می‌دهند، رقمی که از سال ۲۰۰۰ بدون تغییر مانده است (همان). طبق سند آموزش برای همه: گزارش منطقه‌ای کشورهای عربی ۲۰۱۴، زنان بخش اعظم جمعیت بی‌سواد در این کشورها را تشکیل می‌دهند. در کشورهایی مثل اردن، لیبی، موریتانی، فلسطین، سوریه، تونس و یمن، زنان ۷۰ درصد از جمعیت بی‌سواد و در کشورهای کمی توسعه‌یافته‌تر، همچون بحرین، کویت و عمان، زنان کمی بیش از نصف بزرگسالان بی‌سواد را تشکیل می‌دهند.

خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان قلب دنیای اسلام، هم به‌لحاظ جغرافیایی و هم تاریخی، بخصوص در شرایط امروز که موج انقلاب‌ها و گذار سیاسی، در منطقه‌ای استراتژیک واقع شده است. زنان این منطقه یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند که با چالش‌های متعددی در زمینه توسعه آموزش مواجه‌اند: مشکلات مناطق درگیر منازعه، بروز و ظهور گروه‌های تندرو و تروریستی، فاکتورهای خشونت‌آمیز بین‌المللی و یک‌سویه همچون تحریم‌ها و تأثیرات مخرب آن و مسائل دیگر از این دست.

از این رو، «کسری علم»^۲ (اسامه، ۲۰۰۶) در میان زنان مسلمان فوریت دارتر و ظریف‌تر از هر کاستی دیگری است و در نتیجه همین خصوصیت، خاورمیانه و شمال آفریقا حکم بازار تضمین‌شده‌تری را برای «کالای» علم و فناوری آمریکا دارد.

توجه به عقب‌ماندگی و ناکارآمدی آموزش زنان در کشورهای اسلامی نمی‌باید چشمان ما را به روی دیگر همین سکه ببندد: اشتیاق وافر به کسب دانش و علم در میان زنان مسلمان و رکوردهای فزاینده آن‌ها در سال‌های اخیر.

آموزش، چه در مدارس و چه در دانشگاه‌های کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از بسیاری جهات رو به بهبود بوده است.

۱. درصد جمعیت مسلمانان در برخی از این کشورها همچون اتیوپی (۳۳،۹ درصد) و ساحل عاج (۳۸،۶ درصد) کمتر از نصف جمعیت اصلی است.

2. "Science deficit"

داده‌ها حاکی از آن است که مابین سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۱۰، نرخ سواد زنان در منطقه با رشد متوسط ۱٫۵ درصد در سال افزایش یافته است که این جزء بالاترین نرخ های رشد در جهان است (بانک جهانی، ۲۰۱۳). همان‌طور که گزارش نابرابری جنسیتی و کارآفرینی در خاورمیانه و شمال آفریقا (۲۰۱۳) مطرح می‌کند: «نابرابری جنسیتی تاحد زیادی برطرف شده است و سیاست‌های کلی آموزشی برای دختران و پسران در این منطقه تقریباً به سوی برابری است» (ای سی دی، ۲۰۱۳). تقریباً در تمامی کشورهای منطقه آموزش ابتدایی رایگان و در دسترس عموم مردم است. در بسیاری از کشورهای منطقه همچون الجزایر، بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی ثبت‌نام دختران بر پسران در مدارس پیشی گرفته است (همان). مخصوصاً در آموزش متوسطه، ثبت‌نام دختران به‌طرز قابل توجهی از پسران بیشتر است: ۳۱٫۵ درصد در برابر ۲۶ درصد (بانک جهانی، ۲۰۱۳).

آمارهای مربوط به آموزش عالی در ایران نیز حاکی از روندی رو به رشد است: طبق گزارش ملی ایران (۲۰۱۵) زنان نزدیک به ۶۰ درصد دانشجویان قبولی آزمون ورودی دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند و تعداد دانشجویان مؤنث دانشگاه‌ها در مقایسه با دانشجویان مذکر در سال ۲۰۱۱، ۹۷٫۶ درصد افزایش داشته است. در کشورهای عربی نیز، به گزارش زنان خاورمیانه فوربس (۲۰۱۴) اکنون زنان بالاترین نرخ ثبت‌نام در دانشگاه‌های امارات متحده عربی، فلسطین، لیبی، تونس و کویت را دارا هستند (کجرف، ۲۰۱۴).

شواهدی از این دست هیلاری کلینتون را به این نتیجه رسانده‌اند که «مادام کوری بعدی در جهان امروز می‌تواند در کلاس‌های دبیرستانی در قاهره، جاکارتا، یا موگادیشو نشسته و در پی کسب فرصتی برای کشف توانایی‌هایش باشد. آمریکا مصمم است تا به وی کمک کند این فرصت را بیابد» (به نقل از جونز، ۲۰۱۲).

کلینتون از دانشگاه‌ها و نهادهای آکادمیک به‌عنوان «کنشگران چندملیتی» برای تحکیم قدرت نرم آمریکا در میان زنان مسلمان دانشمند استفاده کرد. طرح او در حقیقت، پیشبرد نفوذ آمریکا در میان زنانی است که زندگی روشنفکرانه آینده منطقه را با دلبستگی به زندگی روشنفکرانه، زبان و هنجارهای لیبرال آمریکایی شکل خواهند داد (برتلسن، ۲۰۱۴).



در بخش بعد، دو مطالعه موردی به‌عنوان نمونه از میان ده‌ها برنامه و پروژه آموزشی تشریح خواهد شد که در دوره وزارت خارجه هیلاری کلینتون راه‌اندازی شدند و تا امروز ادامه و توسعه یافته‌اند. تک‌ویمن^۱ و نکست‌اسکالرز^۲ دو برنامه‌ای هستند که نشان می‌دهند چگونه محافل آکادمیک و دانشگاه‌ها به‌عنوان جناح کمکی دیپلماسی عمومی آمریکا فعال هستند.

چارچوب تئوری و روش تحقیق

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی با به‌کارگیری روش مطالعه موردی است که به بررسی عمیق دو مورد از برنامه‌های وزارت خارجه آمریکا با همکاری نزدیک نهاد دانشگاه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا می‌پردازد. چارچوب نظری در مطالعه حاضر مبتنی بر مفهوم «قدرت نرم» است. «قدرت نرم»، طبق نظر جوزف نای، بر تأثیرگذاری بر جمعیت هدف به نحوی اطلاق می‌شود که «آن‌ان آن چیزی را بخواهند که ما می‌خواهیم» (۱۹۹۰: ۱۸۱). در واقع قدرت در هر صورتی از رهبری وجود دارد، اما در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف مفهوم خاص خود را می‌یابد. از نظر نای، قدرت به «توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به اهدافی که مرجع قدرت می‌خواهد» اطلاق می‌شود (۲۰۰۴: ۲)؛ اما قطعاً این تغییر حاصل نوعی دگرگونی در فضای معرفت‌شناسی جمعیت هدف است.

پس از دهه ۱۹۷۰ و الغاء استعمار غرب به‌صورت فیزیکی، مفهوم قدرت نرم جنبه‌های جدیدی یافته است که از آن جمله می‌توان به قول آنیبال کوئیجانو «موقعیت استعمار جهانی»^۳ اشاره کرد که در آن «استقلال بدون استعمارزدایی» حاصل شده است (به نقل از گراسفولگ، ۲۰۱۱). این بدان معنی است که با پایان یافتن استعمار و خروج ارتش‌ها، قدرت فرهنگی آن‌ها همچنان موازنه قدرت را به سمت ایشان مثبت نگاه می‌دارد. به‌عبارت دیگر، با وجود ساختارهای قدرت نهادینه شده «جنوب» همواره تحت همان «ماتریکس قدرت استعماری» می‌زید (گراسفولگ، ۲۰۱۱).

در تعاملات تاریخی غرب (شمال) و شرق (جنوب) مفهوم قدرت نرم همواره به‌نوعی مطرح بوده است. در عصر برتری نئوکولونیالیسم آمریکایی نیز عرصه تولید دانش به یکی

1. به معنای برنامه زنان فناوری TechWomen Initiative

2. به معنای دانشمندان آینده NeXt Scholars Initiative

3. "global coloniality"

از مراکز اعمال قدرت نرم بدل شده است به نحوی که زنان مسلمان نیز در آن مشارکت داده شده و تأثیرگذاری آن دوچندان شده است. همان طور که میشل فوکو استدلال می کند: «دانش قدرت می بخشد، قدرت بیشتر دانش بیشتر را می طلبد و این چرخه در یک دیالکتیک مؤثر بین (تولید) اطلاعات و کنترل ادامه دارد» (۱۹۷۹: ۳۶). به عبارت دیگر، «تولید دانش از مهم ترین حوزه هایی است که امپریالیسم در آن فرصت عمل می یابد» (چن، ۲۰۱۰: ۲۱۱). بدین ترتیب، در مطالعه حاضر مبحث «قدرت نرم» ایالات متحده در عرصه دانشگاه ها و محافل آکادمیک و در ارتباط با زنان دانشگاهی خاورمیانه و شمال آفریقا مورد نظر قرار گرفته است.

مطالعه حاضر از روش مطالعه موردی بهره گرفته است که به عنوان یک روش مؤثر برای شناخت طیف وسیعی از پدیده ها اعم از «افراد، وقایع، تصمیمات، بازه های زمانی، پروژه ها، سیاست ها، نهادها و دیگر سیستم ها» شناخته می شود (توماس، ۲۰۱۱). مطالعه حاضر با تعمق در منابع آکادمیک، وبسایت رسمی وزارت خارجه آمریکا، منابع رسانه ای پشتیبان سیاست خارجی آمریکا و وبلاگ های تأسیس شده برای هر یک از پروژه های مورد مطالعه به بررسی ابعاد مختلف این پروژه ها می پردازد.

مطالعه موردی ۱: برنامه تک ویمین

برنامه تک ویمین توسط وزیر خارجه وقت آمریکا، هیلاری کلینتون (۲۰۱۱) در کمیسیون امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه راه اندازی شد و در حال حاضر، تحت نظر مرکز رهبری زنان و انستیتو آموزش بین الملل به کار خود ادامه می دهد.

طبق اعلام وزارت خارجه آمریکا، برنامه تک ویمین منطبق با قانون ۱۹۶۱ آموزش متقابل و تبادل فرهنگی^۱ صورت می پذیرد که از سوی سناتور جی. ویلیام فولبرایت به منظور «افزایش درک متقابل میان مردم آمریکا و مردم سایر کشورها» و توسعه «روابط دوستانه، هم گرایانه و صلح آمیز» فی مابین، راه اندازی شد؛ بنابراین، تک ویمین قرار است با کشورهای مسلمان نشینی چون الجزیره، مصر، اردن، لبنان، مراکش، مناطق فلسطین نشین، تونس، یمن، لیبی، نیجریه، سیرا لئون، آفریقای جنوبی، زیمبابوه و کشورهای آسیای مرکزی در ۲۰۱۵، در ارتباط باشد (درباره ما، ۲۰۱۵).

1. Mutual Educational and Cultural Exchange Act
2. Who We Are



این برنامه در حال جذب دانشمندان زن جوان مسلمان است و در طول سه سال اول راه‌اندازی آن، ۱۵۶ داوطلب در این برنامه پذیرفته شده‌اند (مرور تک ویمن^۱، ۲۰۱۵). این تعداد قطعاً از میان تعداد بسیاری از متقاضیان پذیرفته شده‌اند، چراکه برای مثال، تنها در سال ۲۰۱۲، تعداد ۱۸۵۰ نفر متقاضی پذیرش در این برنامه بودند و تنها ۷۸ نفر به لیست نهایی وارد شدند (یادداشت مؤسسه آموزش بین‌الملل^۲، ۲۰۱۳). این اشتیاق، مسئولان تک ویمن را بر آن داشته است که تعداد پذیرش‌های هر دوره را تا ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر افزایش دهند.

برنامه تک‌ویمن بر توانمندسازی علمی زنان به‌منظور نیل به پتانسیل‌های کامل در صنعت تأکید دارد، لذا برنامه‌های آن در مناطق صنعتی همچون منطقه ساحلی سان فرانسیسکو و سیلیکون ولی و برای برخی رشته‌ها، در واشنگتن برگزار می‌شود. تک ویمن از سوی برخی نهادهای بین‌المللی نیز حمایت می‌شود: پنل‌های افتتاح برنامه در سال ۲۰۱۳ شاهد حضور نمایندگان از بانک جهانی، نهاد زنان سازمان ملل، اتحادیه جهانی مخابرات و مؤسسه گرمین^۳ بود (رمزی، ۲۰۱۳). همچنین، این برنامه از حمایت‌های بخش خصوصی برخوردار است: ۹۱ شرکت در منطقه سان‌فرانسیسکو میهمانان تک‌ویمن را مورد حمایت قرار می‌دهند (مروری بر شبکه تک ویمن^۴، ۲۰۱۵). در این میان، غول‌های صنعتی، تجاری و فن‌آوری همچون ادوب، گاز و برق پاسیفیک، شبکه جونیپر، مک کافی و لینکد این به چشم می‌خورند (شرکای تک ویمن^۵، ۲۰۱۴). برنامه تک‌ویمن از سرمایه‌های خارجی نظیر همکاری نزدیک به بیست‌وپنج شرکت کانادایی همچون کی ام پی جی، پاگمیل پارتنرز، آر بی سی و ... نیز بهره‌مند می‌گردد (پشتیبان‌های کانادایی تک ویمن^۶، ۲۰۱۵). گذشته از همه عوامل یاد شده، ایده تک‌ویمن بدون مشارکت و همکاری مراکز آکادمیک، مراکز تحقیقاتی و نهادهای آموزشی هرگز میسر نمی‌شد. لیست برخی از این مراکز از این قرارند:

1. TechWomen Overview
2. IIE Interactive Newsletter
3. Grameen Foundation
4. TechWomen Network at a Glance
5. TechWomen Partners
6. TechWomen Canada Sponsors

جدول ۱. شرکای آکادمیک تک‌ویمن

مرکز مطالعات آفریقای نوکیا دانشگاه استنفورد	سان فرانسیسکو دانشکده محیط‌زیست	آزمایشگاه ملی لارنس برکلی	دانشگاه بریتیش کلمبیا (کانادا)
دانشکده طراحی استنفورد	دانشگاه سانتا کلارا	انستیتو آموزش بین‌الملل و مرکز ساحل غربی آن در سان فرانسیسکو	دانشکده صنعتی کولیبسون (کامرون)
انستیتو زیست‌شناسی سلول‌های بنیادی دانشگاه استنفورد	انستیتو زنان و تکنولوژی آنیتا بورگ	کالج کینگ لندن	کالج علوم و فن‌آوری دانشگاه رواندا
انستیتو پاستور تونس	کالج دوزبانه سنت بندیکت (کامرون)	انستیتو ملی پست و مخابرات (مراکش)	دانشگاه کاراون (مراکش)
دانشگاه علوم و فن‌آوری شاهزاده سمیه (اردن)			

برنامه تک‌ویمن: موتور تغییر اجتماعی

برنامه تک‌ویمن از جهاتی، نقش موتور تغییر اجتماعی را ایفا می‌کند:
اول، رهبری جهانی، مفهومی کلیدی در قلب برنامه تک‌ویمن است. این برنامه قرار
است:

نسل بعدی رهبران زن را در حوزه‌های علم، فن‌آوری، مهندسی و ریاضیات^۱ توانمند
کرده، مورد حمایت قرار دهد و با یکدیگر مرتبط سازد. این کار از طریق تأمین دسترسی

1. STEM



این افراد به منابع و ایجاد فرصت برای پیشرفت شغلی، پیگیری ایده‌ها و بدل گشتن به الگویی برای زنان و دختران در اجتماع خودشان، صورت می‌گیرد (مروری بر تک ویمن^۱، ۲۰۱۵).

به گفته نشریه اینترنشنال بیزنس تایم (۲۰۱۲) وزارت خارجه آمریکا از این برنامه در جهت هدایت تغییرات سیاسی-اجتماعی در کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی استفاده می‌کند. این برنامه زنان تحصیل کرده در حوزه علوم پایه را به «استفاده از دانشی که در آمریکا کسب کرده‌اند در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت در کشور خودشان تشویق می‌کند».

برنامه تک‌ویمن آموزش‌هایی را در قالب «موارد عملی» همچون آموزش مهارت‌های دیجیتال، مشارکت سیاسی، مشاغل حوزه فناوری اطلاعات، کارآفرینی و تولید محتوا (رمزی، ۲۰۱۳) توسط اساتیدی از سوی شرکت‌های مایکروسافت، گوگل، موزیلا، توئیتر، سیمنتک ارائه می‌دهد.

توجه به نظرات ارائه‌شده از سوی شرکت‌کنندگان در برنامه تک ویمن نشان می‌دهد که زنان جوان کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا از فرصتی که تک‌ویمن در اختیارشان قرار داده است به‌منظور یک فرآیند گذار موفقیت‌آمیز، استقبال می‌کنند. مثلاً، هبه حسنی، شرکت‌کننده‌ای از مصر در نوشته‌های شخصی‌اش اذعان می‌دارد که «در حال حاضر ما داریم مصر جدید را می‌سازیم و به اعتقاد من، ضروری‌ترین منابع در شرایط فعلی دانش و علوم هستند» (به استیو جابز بیان‌دیش^۲، ۲۰۱۲).

دوم، متقاضیان جوان تک‌ویمن در صورتی می‌توانند بورسیه‌ها را به خود اختصاص دهند که ثابت کنند «انگیزه کافی را برای برنامه‌های تبادلی» دارا هستند (شرایط مناسب و تقاضای بورسیه^۳، ۲۰۱۵). جاذبه فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی مبنایی است برای اجرای موفق قدرت نرم آمریکا به‌نحوی که جوزف نای (۲۰۰۵: ۱۶) تصریح می‌کند، قدرت نرم آمریکا متکی بر «تمایل و خواست دریافت‌کنندگان و مفسران بانگیزه است».

1. TechWomen Overview
2. Think Steve Jobs
3. Eligibility and Application

سوم، لذت، جزء دیگر برنامه تک‌ویمن است. شرکت‌کنندگان تک ویمن دارای همراهان دائمی هستند: الف) مربیان حرفه‌ای ایشان را در مراکز علمی و صنعتی همراهی می‌کنند و ب) مربی‌های فرهنگی که حکم «سفیرانی» را دارند که این «رهبران آینده» را با جاذبه‌های محلی، رویدادها و فرصت‌های فرهنگی مواجه می‌کنند.

مربی‌های فرهنگی زنان جوانی هستند که در سانفرانسیسکو کار و زندگی می‌کنند و گفته می‌شود که در خود «تعهد شخصی» برای توانمندسازی زنانی احساس می‌کنند که از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌آیند. هریک از این مربیان، پذیرایی و آموزش دانشمندان جوان را یک روز در هفته و همچنین در آخر هفته پوشش می‌دهند. فعالیت آن‌ها در برنامه سال ۲۰۱۳، شامل تورهای فرهنگی جزیره آلکاتراز، برنامه‌های موزه و گالری، پیاده‌روی در حومه سانفرانسیسکو، بازی بیس‌بال و فوتبال، چتربازی، پیاده‌روی در پارک‌های ملی و ایالتی و دیدار از مراکز مذهبی مثل اتحادیه جمعیت اسلامی بوده است (مروری بر مربیان فرهنگی^۱، ۲۰۱۵).

مربیان اعتماد کاملی در شرکت‌کنندگان ایجاد می‌کنند و دوستی‌های پایداری با آن‌ها برقرار می‌سازند. اعمال یک دیپلماسی عمومی مؤثر به گفته نای (۲۰۱۱: ۱۰۵) وابسته به «ارائه تصویری مثبت و درعین حال برقراری رابطه‌ای است فضای مناسب برای اجرای سیاست‌های دولتی را ایجاد کند». به بیان دیگر، «قدرت در متن روابط است که اعمال می‌شود» (لاک در پارمر و دیگران، ۲۰۱۰: ۴۶) و آموزش موفق می‌تواند عاملی کلیدی در مشروعیت بخشی و اعتبار افزایی در برنامه‌های تبادل هم‌چون تک‌ویمن محسوب شود.

از مربی‌های فرهنگی خواسته می‌شود تا «الهام‌بخش رهبران زن آینده برای تبدیل شدن به عامل تغییر در کشور خود» باشند (مروری بر مربیان فرهنگی^۲، ۲۰۱۵). «روابط مربیان و رهبران آینده، ارتباطی است که با هدف ماندگاری برقرار می‌شود» (۱۱ چیز که نمی‌دانستید^۳، ۲۰۱۵). این امر، بُعد سوم دیپلماسی نرم در نظریه جوزف نای (۲۰۰۴: ۱۰۹) را به ذهن متبادر می‌کند که توسعه «روابط ماندگار» را با افراد جمعیت هدف «کلیدی» می‌داند و در این مورد در واقع قرار است سهم بسزایی در برساختن آینده اندیشه در خاورمیانه و شمال آفریقا را داشته باشد.

1. Cultural Mentor Overview
2. Cultural Mentor Overview
3. 11 Things You Didn't Know



بررسی دقیق مربیان تک‌ویمن حاکی از آن است که مربی‌های فرهنگی افرادی با انگیزه‌های صرفاً اقتصادی-صنعتی نیستند، بلکه انگیزه مشارکت آن‌ها ماهیتی رسالت گونه دارد. زن جوانی به نام لکسی کرتیس نمونه خوبی است که فرایند پیچیده و ظریف هویت‌بخشی در این برنامه را نشان می‌دهد. پیشینه وی حاکی از آن است که او در سال ۲۰۱۱ به انستیتو آموزش و سپس به تک‌ویمن پیوسته است (لکسی کرتیس، ۲۰۱۵). کرتیس عضو یک ان‌جی‌ای صهیونیستی به نام ایر عمیم^۱ واقع در مناطق اشغالی فلسطین است. نام این سازمان در زبان عبری به معنی «شهر ملت‌ها یا شهر مردم» است. کرتیس نیز همچون سایر اعضای این سازمان مسئول بازنمایی اورشلیم به عنوان شهری پایدار و عدل‌گستر است که در آن راه‌حل سیاسی قابل دستیابی است (ایر عمیم، خلاصه برنامه‌های اورشلیم^۲، ۲۰۱۰). ایر عمیم نهادی چپ‌گرا در نظر گرفته می‌شود که علناً پروژه‌های اسکان اراضی دولت اسرائیل را مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما در نهایت، مربی فرهنگی‌ای مثل لکسی کرتیس در مقاله خود تحت عنوان *به‌سوی اورشلیم بهتر: فعالیت‌های ایر عمیم (۲۰۱۱)* خود را از «ما اسرائیلی‌ها» معرفی می‌کند و نسبت به تحلیل رفتن جامعه و مناطق فلسطینی، نه به خاطر حقوق بشر فلسطینی‌ها، بلکه از آنجاکه «تهدیدی جدی برای [اسرائیل] بوده... به تشدید نزاع و خشونت دامن می‌زند و می‌تواند روند متزلزل مذاکره را خراب کند»، ابراز نگرانی می‌کند. لکسی در حال یادگیری عبری است (لکسی کرتیس، ۲۰۱۵) و دوستی نزدیک وی با دانشمندان جوان و مسلمان در تک‌ویمن این سؤال را پیش می‌آورد که ذهنیت دانشجویان تک‌ویمن در رابطه با موضوع فلسطین، راه‌حل پایان منازعات و ایجاد صلح در منطقه با حضور وی و امثال وی چگونه شکل خواهد گرفت.

در نهایت، چهارمین عملکرد عمده تک‌ویمن را می‌توان ایجاد فرصت برای زنان جوان جهت «حس» شیرین‌ترین ایده‌آل‌ها و تفکرات سیاسی آمریکایی ذکر کرد. اوج برنامه تک‌ویمن را شاید بتوان ملاقات‌های باپرستیژ و صمیمانه آن‌ها در کاخ سفید دانست. برای مثال در یکی از این ملاقات‌ها در سال ۲۰۱۲، ۱۰۰ زن دانشمند از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در مشایعت سخنگوی رسانه‌ای سابق کاخ سفید و نویسنده

1. Ir Amim

2. Ir Amim: Jerusalem Program Outline

کتاب چرا باید زنان بر جهان حکومت کنند، در میزگردهایی شرکت کردند که در وصف سیستم سیاسی دوحزبی، اهمیت نهادینه‌سازی رویه‌های رأی‌گیری و تلاش زنان در آمریکا و منطقه برای پیشبرد اهداف دموکراتیک تشکیل شد (ام اس آی وی پی می‌گوید^۱، ۲۰۱۲). جذابیت‌های متعددی که تجربه حضور در تک‌ویمن و آشنایی با تفکر سیاسی آمریکایی همراه دارد، در نظرات شرکت‌کنندگان آن در وبلاگ‌های شخصی ایشان قابل‌رؤیت است. نجلا عطاءالله (۲۰۱۳) از مناطق فلسطین می‌نویسد:

جامعه آمریکایی یکی از دموکرات‌ترین و توسعه یافته‌ترین جوامع در تمام دنیاست. بسیار دوست دارم از الگوی آمریکایی، نحوه انتقال اجتماعی به مقطع دموکراتیک را بیاموزم، مقطعی که در آن شهروندان، زن و مرد، حقوق و آزادی‌های برابر داشته و در برابر قانون یکسان باشند. کاش بتوانم به خانه برگردم و روی پیشبرد این اصول و کمک به ایجاد آن در کشور خودم کار کنم.

مطالعه موردی ۲: نکست‌اسکالرز

در دسامبر ۲۰۱۱ بود که درست در روز اهدای جایزه نوبل و در صدمین سالگرد اهداء جایزه نوبل علوم به ماری کوری، هیلاری کلینتون، به‌عنوان وزیر امور خارجه آمریکا، برنامه موسوم به نکست‌اسکالرز را برای «بزرگداشت زنان در علم» افتتاح نمود (وزیر کلینتون اعلام کرد^۲، ۲۰۱۲). دو حرف بزرگ ایکس (X) در عنوان این برنامه نماد کروموزوم زنان است (برنامه نکست‌اسکالرز^۳، ۲۰۱۲).

براساس گزارش وزارت خارجه آمریکا (۲۰۱۲)، این برنامه بیش از هر چیز بر زنان جوان در کشورهای اسلامی متمرکز است و رویکرد آن همان رویکردی است که کلینتون درباره «رسالت آمریکا برای توانمندسازی زنان سراسر جهان از طریق آموزش آن‌ها به‌عنوان رهبران فردا» اعلام داشته است. این برنامه مدعی کشف استعدادها در حال ظهور زنان در حوزه موسوم به استم^۴ (علوم، فن‌آوری، اقتصاد و ریاضیات) در کشورهای مسلمان است و آن‌ها را با مراکز آموزشی آمریکا مرتبط می‌سازد (برنامه نکست‌اسکالرز^۵، ۲۰۱۳).

1. MSI VP Discusses
 2. Secretary Clinton Announces
 3. NeXXt Scholars Program
 4. STEM
 5. NeXXt Scholars Program



برنامه نکست اسکالرز جمعیت گسترده‌ای از زنان مسلمان را در کشورهای هم‌چون افغانستان، آلبانی الجزیره، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، برونئی، بوركینافاسو، چاد، کومور، جیبوتی، مصر، گامبیا، گینه، اندونزی، ایران، عراق، اردن، کوزوو، کویت، قرقیزستان، لبنان، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، سوریه، تاجیکستان، تونس، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان، یمن، نوار غزه و کرانه غربی، مورد هدف قرار داده‌است (همان).

نحوه پذیرش در نکست اسکالرز بدین ترتیب است که هر دانش‌آموز دبیرستانی می‌تواند مستقیماً برای یکی از ۵۰ کالج و دانشگاه حامی این برنامه برای یک دوره کارشناسی در حوزه علوم، فن‌آوری، مهندسی و ریاضیات، اقدام به ثبت درخواست نماید. برنامه نکست اسکالرز با پشتیبانی شبکه‌ای جامع از ۳۸ کالج زنان در آمریکا به فعالیت خود ادامه می‌دهد. جدول زیر دربرگیرنده بخش وسیعی از این حامیان آکادمیک نکست اسکالرز است:

جدول ۲. همکاران آکادمیک برنامه نکست اسکالرز

کالج اسکریپس	کالج کانورس	کالج اگنس اسکات
کالج سیمونز	کالج کاتی	کالج برنارد
کالج اسمیت	کالج شبانه‌روزی داگلاس، دانشگاه راجرز	کالج بی پث
کالج اسپلمن	دانشگاه هولینز	کالج زنان بنت
دانشگاه سنت کاترین	کالج مری بالدوین	دانشگاه برنیو
کالج استیفنز	کالج مردیت	کالج برن ماور
کالج سویتت برابری	کالج میلز	دانشگاه کارلو
کالج اورسولین	کالج مانث هول‌یوک	کالج سدار کرسٹ
کالج ولسلی	دانشگاه نوتردام مریلند	دانشگاه گاتام
کالج ویلسون	کالج سنت جوزف	کالج سنت بندیکت
کالج زنان، دانشگاه دنور	کالج سنت مری وود	کالج سنت الیزابت
	کالج سنت مری	کالج سنت مری
	کالج سالم	کالج کلمبیا

ایجاد انگیزه مشارکت در نکست اسکالرز از سیاست‌های متنوعی تبعیت می‌کند.

برای نمونه، فرصت‌هایی در اختیار زنان جوان پذیرفته‌شده در این برنامه قرار می‌گیرد که بسیار اشتها برانگیز است. ایشان با مؤسسات با پرستیژهای بین‌المللی آشنا می‌شوند و به عضویت آکادمی علوم نیویورک و گروه‌های حرفه‌ای درمی‌آیند. این دانشجویان خارجی که وارد آمریکا می‌شوند ابتدا در مراکز مشاوره مورد حمایت وزارت خارجه، آموزش‌های اولیه را دریافت می‌کنند و آکادمی علوم نیویورک یک دانشجوی همراه بومی برای هر یک از آنان در نظر می‌گیرد تا به‌لحاظ علمی و فرهنگی او را پوشش دهد (برنامه نکست اسکالرز^۱، ۲۰۱۳).

مربیان و یا دانشجویان علوم که با این تازه‌واردها همراه می‌شوند، خواهران استیم^۲ خوانده می‌شوند (نکست اسکالر در کالج‌های آمریکایی پذیرفته می‌شوند^۳، ۲۰۱۲). این دو/خوهر در بسیاری از کلاس‌ها در کنار هم نشسته و در خوابگاه مشترک زندگی می‌کنند (دانشجویان راجرز اولین گروه نکست را راه انداختند^۴، ۲۰۱۵)؛ لذا، انتظار می‌رود تا ایشان طبق نظر وزارت خارجه آمریکا «احترام و درک متقابل را به‌عنوان اصلی فرهنگی» بیاموزند (برنامه نکست اسکالرز در کالج‌های دخترانه آمریکا^۵، ۲۰۱۲).

مقاله حاضر تلاش می‌کند به فعلیت رساندن این «احترام متقابل» را مسئله‌مند کند. آن‌طور که الگا نئولوا (۲۰۱۴) می‌گوید، خلق طیفی از «متقابل‌ها» که وعده برنامه‌های تبادل دانشجو بر مبنای آن بنا شده‌است، «توهمی از منفعت، اعتماد، احترام و درک متقابل است» و نه بازتابی از واقعیت؛ بنابراین، موضوع، استفاده صحیح از قدرت نرم است که دولتی فرضی همچون آمریکا را قادر به «نفوذ در فرایندهای سیاسی و انسانی» جهان و یا برخی شرکای خاص، مثلاً کشورهای اسلامی، می‌نماید.

تبادلات علمی نظیر نکست اسکالرز در خلأ بنا نشده‌اند و مرتبط با حوزه مستقیم قدرت هستند. غداء تفش، یک دختر دانش‌پژوه جوان پذیرفته‌شده در رشته زیست‌شناسی از غزه، فلسطین، است. وی زمانی در دوره دبیرستان تحت سرپرستی یک خانواده آمریکایی قرار داشته است. از آن زمان، وی همواره آرزوی «برگشتن به آمریکا» را در سر داشته و نظرش (۲۰۱۲) درباره قبولی در یک کالج آمریکایی چنین است: «یک فرصت طلایی برای من - یک شانس که فقط یک‌بار پیش می‌آید، ... من متعلق به

1. NeXt Scholars Program

2. STEM-sisters

3. NeXt Scholar Matriculate at US Women's Colleges

4. Rutgers Student Tapped for First Group of NeXt

5. NeXt Scholars Program at US Women's Colleges



جامعه‌ای هستیم که زنان در آن فرصت‌های زیادی کسب نمی‌کنند و این کالج متمرکز بر توانمندسازی زنان است» (ویلسون دانشجویان فلسطینی نکست را ثبت‌نام می‌کند، ۲۰۱۲).

غداء به‌طور خاص هنگام مقایسه آموزش‌هایی که در آمریکا دیده و آموزش در کشورش، معتقد است: «[فلسطین] کشوری اشغال‌شده است که [در آن] امکانات آموزشی و پزشکی خوبی نداریم، این بزرگ‌ترین انگیزه من برای آمدن به اینجا بود. من عاشق زیست و آزمایشگاه هستیم. ما این‌ها را [در کشورمان] نداریم» (همان).

مشابه چنین نظراتی در وبلاگ‌های فردی و یادداشت‌های بسیاری از دریافت‌کنندگان این فرصت تحصیلی به چشم می‌خورد. نگاهی به نوشته‌های این افراد فوجی از شکایات درباره فقر، محرومیت فرهنگی، فلاکت و زندگی بی‌ثبات و ناامن در شرایط نبود برنامه‌های آینده‌نگرانه در کشورهای زادگاهشان را نمایان می‌کند. این نظرات از بسیاری جهات انعکاس‌دهنده واقعیت‌های جاری در خاورمیانه و شمال آفریقا است؛ اما درعین حال، مبادلات آموزشی نیز به‌خوبی باهدف دست‌کاری تفکر انتقادی مشارکت‌کنندگان آن برنامه‌ریزی شده است.

«اغوا» و «اقناع» دو هدف پیش فرض در اعمال قدرت نرم هستند، اما فراتر از آن باید عواملی وجود داشته باشد که بدین نحو بینش دانشمند جوانی از غزه را خدشه‌دار کند؛ بنابراین، این واقعیت که «دولت آمریکا همواره کمک‌های سخاوتمندانه خود را در قالب کمک‌های نقدی و سلاح و فن‌آوری‌های جاسوسی که نقش مهمی در حملات اسرائیل به همسایگانش دارد، به سوی اسرائیل سرازیر کرده است» (گرین‌والد، ۲۰۱۴) از سوی غداء و امثال وی مغفول واقع می‌شود.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد ایجاد نوعی ازخودبیگانگی عمیق در قلب چنین برنامه‌هایی مشهود است. ازخودبیگانگی در اینجا به وضعیت روانی-اجتماعی دلالت دارد که در آن، جمعیت کشور «شریک» به قالب «افرادی» مستحیل می‌شود که قبلاً از هرگونه هویت جمعی، شامل هویت‌های مذهبی، قومی و ملی، تهی گشته و لذا، عاری از هرگونه حس تاریخ مشترک هستند. این فرآیند به‌گونه‌ای است که این افراد تفریدی شده از هر فرصتی برای توسعه شخصی و فردی خود، بی‌توجه با تعارض ممکن با منفعت جمعی، به‌عنوان تنها مسیر باقیمانده برای نجات، استقبال می‌کنند.

دیپلماسی آکادمیک آمریکایی در قبال زنان مسلمان: استراتژی‌ها و تکنیک‌ها
براساس مطالعات موردی صورت گرفته بر دو برنامه تک‌ویمن و نکست‌اسکالرز، برخی از استراتژی‌های مشترک در این دو برنامه از این قرارند:

۱. تشویق زنان به عنوان رهبران و دموکراسی سازان آینده

این برنامه‌ها اهتمام خود را بر تربیت زنان جوان و توانمندسازی آنان برای تغییر و رهبری در آینده قرار داده‌اند. دولت آمریکا در برنامه‌های تبادل آکادمیک مختلف اعلام نموده است که از «دموکراسی سازان» حمایت کرده و دانشجویان مستعد کشورهای هدف را با انگیزه «توسعه مهارت‌های رهبری و توسعه درک آن‌ها از جامعه مدنی و فرایندهای دموکراتیک» جذب می‌کنند (برنامه رهبران دانشجویی خاورمیانه^۱، ۲۰۱۴).

طبق اظهارات هیلاری کلینتون در میان شرکت‌کنندگان برنامه تک‌ویمن در سال ۲۰۱۱، زنان حوزه علوم و صنعت نقش مهمی در این راستا بر عهده دارند: اکنون، شاهد تأثیر فن‌آوری‌های نوین هستیم. ... امروز، یک مرکز فنی فرصتی است برای گرد هم آوردن فعالان جامعه مدنی، حامیان حقوق بشر، نماینده سمن‌ها از کشورهای مختلف... این‌ها علاقه‌مند به ایجاد تغییر سیاسی و دادن صدا به مردمانی هستند که ممکن است در هیچ صورت دیگری چنین فرصتی را نیابند.

۲. استفاده از زبان انگلیسی به عنوان ابزار ارتباط

جمله معروفی از داوونر (۱۹۴۲) می‌گوید: «وحدت در زبان می‌تواند وحدت در فکر [و] احساس ایجاد کند» (به نقل از باهیتا و دیگران، ۲۰۰۴: ۶۲۲). تمامی فرم‌های تقاضا در برنامه‌های دانشگاهی آمریکا زنان مسلمان را ملزم به تسلط به زبان انگلیسی می‌نمایند. زبان انگلیسی در اینجا به مثابه ابزاری ارتباطی به کار می‌رود و همان‌طور که فرم ثبت‌نام تک‌ویمن اشاره دارد (۲۰۱۵)، در راستای دیگر مسائل همچون «اثبات خود به‌عنوان رهبران آینده، ... پایبندی به نوآوری ... [و] اثبات اعتماد و بلوغ» قرار می‌گیرد.

۳. برنامه‌ریزی براساس تمایل دوطرفه

علاوه بر انگیزه‌های سیاسی آمریکا برای هدایت مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در



منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، روایت‌هایی که افراد شرکت کننده ارائه می‌کنند هم حاکی از تمایلی دوطرفه است: نرمین احمد از مصر که در برنامه تک‌ویمن شرکت کرده بود (دانشجویان تک ویمن^۱، ۲۰۱۳) آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

برای من، آمریکا سرزمین برابری و عدالت است. امید من این است که ببینم آمریکا چطور ... مردمانی را از فرهنگ‌ها، مذاهب و پیشینه‌های مختلف در آغوش می‌گیرد تا بتوانند از این همه فرصت برای موفقیت بهره‌مند شوند. این برای من و کشورم خیلی مهم است، مخصوصاً در این دوره گذار.

در موردی دیگر از همین برنامه، ایناس ابوخدییر، شرکت کننده دیگری از مصر، تجربه اش در تک‌ویمن را این‌گونه توصیف می‌کند (همان):

من به برنامه اعتماد دارم ... این برنامه‌ها دیدگاه‌های خوبی برای حمایت از مهارت‌های رهبری می‌دهند، افق‌های جدیدی را می‌گشایند و کانال‌های ارتباطی جدیدی ایجاد می‌کنند ... برای به فعلیت رساندن ایده‌های خلاق و تحقق بخشیدن به پروژه‌های روی کاغذ.

۴. تشویق به توسعه عضویت و حس تعلق

۴،۱. انگیزه دیگر برای مشارکت آن است که شرکت‌کنندگان در این برنامه‌های آموزشی، شانس برخورداری از عضویت در نهادهای آکادمیک باپرستیژ آمریکایی را می‌یابند. برای مثال، کسانی که در برنامه نکست اسکالرز شرکت کرده‌اند، عضویت پنج‌ساله در آکادمی علوم نیویورک را دریافت می‌نمایند.

۴،۲. این برنامه‌ها برای ایجاد «رشد و دوام شبکه» و «گرد هم آوردن تمامی اعضا» از امکانات موجود هم در فضای فیزیکی و مجازی استفاده می‌کنند. شبکه تک‌ویمن نمونه خوبی از این منظر است. اعضای تک‌ویمن تاکنون به بهانه رویدادهای مختلفی در یمن، مراکش، رواندا، آفریقای جنوبی و غیره گرد هم آمده‌اند. سفرهای این افراد متضمن نیروی دیگری در سطح محلی است. در سال ۲۰۱۳، گروهی از زنان منطقه، مربی‌های حرفه‌ای و فرهنگی تک‌ویمن، کارکنان وزارت خارجه آمریکا و کارکنان تک‌ویمن، برای مرور و مبادله آراء مجدداً گرد هم آمدند. تک‌ویمن در همه این کشورها برای برگزاری نشست، کارگاه و رویدادهای شبکه‌ای توافقاتی را با شرکت‌های محلی صورت داده‌است.

1. TechWomen Mentees

این گروه در سه‌شنبه فنی^۱ عمان مورد تقدیر قرار گرفت و با زنان اردنی دانشگاه علوم و فن‌آوری اردن ارتباط برقرار کرد (سفر نماینده‌ها،^۲ ۲۰۱۳).

شبکه‌های مجازی، دیگر کانال ارتباطی هستند که تک‌ویمن از طریق آن اعضاء را با یکدیگر مرتبط نگاه می‌دارد. یک نمونه جالب از این حیث، انستیتو آیتا بورگ، از همکاران عمده تک‌ویمن است که جامعه دیجیتال سیسترز^۳ را به‌عنوان واژه‌ای ترکیبی از «خوهر» و «سیستم» در زبان انگلیسی ایجاد کرده و هدف از آن «حفظ ارتباط اعضاء به‌منظور ارتقاء جایگاه زنان در حوزه‌های فنی در سطح جهانی» عنوان شده است (به‌روز سازی تک ویمن^۴، ۲۰۱۳).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاشی است برای تمرکز بر یک جنبه نسبتاً جدید از جهان معاصر: «تغییر نظام جنسیتی». تغییر دیدگاه‌های موجود نسبت به موضوع تفاوت جنسیتی از تمرکز بر خلقت بیولوژیکی و طبیعی به حوزه‌های مناقشه‌برانگیز و برساخته گفتمان‌های قدرت، موضوعی است که ابعاد جهانی آن امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

مقاله حاضر مبحث جهانی «جایگاه زنان» را با نگاهی به «رهبری» آمریکا و تمرکز بر دوره تصدی وزارت خارجه توسط هیلاری کلینتون پی گرفته‌است: زمانی که طبق اسناد بالادستی وزارت خارجه آمریکا، موضوع زنان به «محور» سیاست خارجی آمریکا در قرن ۲۱ بدل شد.

قطعاً کشورهای اسلامی بخصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان منطقه استراتژیک برای ایالات متحده و همچنین در حال گذار سیاسی از مهم‌ترین جوامع هدف اعمال قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند؛ بنابراین، دو برنامه تک‌ویمن و نکست‌اسکالرز به‌عنوان نمونه در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌است. تعمق در برنامه‌های مذکور نمایانگر همکاری نزدیک و شبکه‌ای میان وزارت خارجه آمریکا با دانشگاه‌ها و کالج‌هایی است که رسالت پیشبرد نفوذ آمریکا را در میان رهبران بالقوه از میان زنان حوزه علم و فن‌آوری در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر عهده دارند.

۱. سه‌شنبه فنی نشست دوساعته است که سه‌شنبه اول هر ماه برگزار می‌شود و مدیران و مهندسان ارشد بر سر پروژه‌های ملی بحث می‌کنند.

2. Delegation Trips

3. Systers

4. TechWomen Update



تک‌ویمن و نکست‌اسکالرز، این نخبگان فردا را جذب کرده و آن‌ها را به‌عنوان منابع «تغییر» و «ایجاد دموکراسی» در کشورهای اسلامی در حال گذار، به‌اصطلاح «توانمندسازی» می‌کنند. نتایج مطالعات موردی حاکی از آن است که استراتژی‌های عمده آمریکا در این خصوص عبارت‌اند از: (۱) تشویق زنان مسلمان برای رهبری و دموکراسی‌سازی آینده، (۲) استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان ابزار ارتباطی، (۳) برنامه ریزی براساس تمایل دوطرفه و (۴) تشویق برای توسعه عضویت و حس تعلق نسبت به فرهنگ آمریکایی.

تربیت فرهنگی در کنار آموزش حرفه‌ای، اغناء، ایجاد حس برخورداری و اقناع زنان جوان مسلمان در آمریکا، پشتیبانی از عضویت ایشان در محافل آکادمیک و شبکه‌های تخصصی و ایجاد حس تعلق خاطر و شبکه‌سازی در فضای فیزیکی و مجازی نیز به‌عنوان تکنیک‌های اعمال قدرت نرم آمریکا در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بحث قرار گرفته است.

منابع

- An Open Letter to the Women of the World, Retrieved March 10, 2015 from UN Special at <http://www.unspecial.org/2012/03/an-open-letter-to-the-women-of-the-world/>.
- A *National Strategic Narrative*. (2011). Woodrow Wilson International Center for Scholars, Retrieved August 24, 2014 from <http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/A%20National%20Strategic%20Narrative.pdf>.
- Asadullah, N. (2014). *Gender Equality in Schools in Muslim Countries: It can be Done*, Retrieved September 19, 2014 from <http://theconversation.com/gender-equity-in-schools-in-muslim-countries-it-can-be-done-32271>.
- Ban Ki-moon. (2012). The Secretary-General's Five-Year Action Agenda, United Nations, Retrieved September 18, 2014 from <http://www.un.org/sg/priorities/>.
- Barrett, D. and Frank, D. (1999). Population Control for National Development: from World Discourse to National Policies, in *Constructing World Culture: International Nongovernmental*

- Organizations since 1875*, ed. John Boli and George M. Thomas, 198-222, California: Stanford University Press.
- Bertelsen, R. (2014). *American Missionary Universities in China and Middle East and American Philanthropy: Interacting Soft Power of Transnational Actors*, *Global Society*, 28:1, pp. 113-127.
- Bhatia, T. K., & Ritchie, W. C. (2004). *The handbook of bilingualism*. Malden, MA: Blackwell Pub.
- Bunting, M. (2011). *Hillary Clinton Is Proving that a Feminist Foreign Policy is Possible*. Retrieved September 10, 2014 from <http://www.theguardian.com/commentisfree/cifamerica/2011/jan/16/hillary-clinton-feminist-foreign-policy>.
- Charter of United Nations*. (1945). Retrieved July 18, 2014 from <http://www.un.org/en/documents/charter/chapter16.shtml>.
- Chen, K.-H. (2010). *Asia as method: Toward deimperialization*. Durham: Duke University Press.
- Clarke, D. (2014). *Theorizing the Role of Cultural Products in Cultural Diplomacy from a Cultural Studies Perspective*. Bath: University of Bath.
- Clinton, H. (2012). *The Art of Smart Power*. *New Statesman*, Retrieved October 10, 2014 from <http://www.newstatesman.com/politics/politics/2012/07/hillary-clinton-art-smart-power>.
- Clinton, H. (2011). *Remarks at Closing Luncheon for TechWomen Initiative*, US State Department, Retrieved November 19, 2014 from <http://www.state.gov/secretary/20092013clinton/rm/2011/07/167699.htm>.
- Clinton, H. (2009). *Foreign Policy Address at the Council on Foreign Relations*, Retrieved November 1, 2014 from <http://www.state.gov/secretary/rm/2009a/july/126071.htm>.
- Cohick, L. H. (2009). *Women in the world of the earliest Christians: Illuminating ancient ways of life*. Grand Rapids, Mich: Baker Academic.
- Cultural Diplomacy: The Linchpin of Public Diplomacy*. (2005). Advisory Committee on Cultural Diplomacy, US Department of State, Retrieved October 5, 2014 from www.publicdiplomacy.org/55.html.
- Cultural Mentor Overview*. (2015). Retrieved at March 12, 2015 from <https://www.techwomen.org/mentors/cultural-mentor>.



- Curtice, L. et al. (2011). *Toward a Viable Jerusalem: The Work of Ir Amim*, Palestine-Israel Journal, 17 (12).
- Deeb, L. (2006). *An enchanted Modern: Gender and public piety in Shi'i Lebanon*. Princeton: Princeton University Press.
- Delegation Trips*. (2013), Retrieved August 28, 2014 from <https://www.techwomen.org/program/delegation-trips>.
- Eastwood, B. (2007). Is Science the Key to the Middle East?, American Enterprise Institute, Retrieved October 19, 2014 from <http://www.aei.org/publication/is-science-the-key-to-the-middle-east/>.
- 11 Things You didn't Know about TechWomen Mentors*. (2015). Retrieved April 17, 2015 from <https://www.techwomen.org/mentorship/11-things-you-didnt-know-about-techwomen-mentors>.
- Eligibility and Application*. (2015). Retrieved at April 28, 2015 from <https://www.techwomen.org/participants/eligibility-and-application>.
- Esposito, J. (2010). *Bigotry and Islam*. Huffington Post, Retrieved November 1, 2014 from http://www.huffingtonpost.com/john-l-esposito/bigotry-and-islam-bill-or_b_765300.html.
- Facts and Figures: Leadership and Political Participation*. (2014). UN Women, Retrieved November 29, 2014 from <http://www.unwomen.org/en/what-we-do/leadership-and-political-participation/facts-and-figures>.
- Ferraro, G. P. (1992). *Cultural anthropology: An applied perspective*. St. Paul: West Pub.
- Foucault, M. (1990). *The History of Sexuality* New York: Pantheon.
- From the IIE Blog: Find Your Passion, Find Your Impact*. (2013). IIE Interactive Newsletter, Retrieved at January 12, 2015 from <http://www.naylornetwork.com/iie-nwl/newsletter.asp?issueID=30461>.
- Griffin, M. (2010). *Narrative, Culture and Diplomacy*. The Journal of Arts Management, Law and Society, 38:4, 258-269.
- Grincheva, N. (2010). *US Arts and Cultural Diplomacy: Post-Cold War Decline and Twenty-First Century Debate*. The Journal of Arts Management, Law, and Society, 40:3, pp.169-183.
- Grosfoguel, R. (2011). *Decolonizing Postcolonial Studies and Paradigms of Political-Economy: Transmodernity Decolonial Thinking, and Global*

- coloniality, Transmodernity: Journal of Peripheral Cultural Production of the Luso-Hispanic World*, 1 (1), Retrieved April 18, 2014 from <http://escholarship.org/uc/item/21k6t3fq>.
- Haddad, Y. Y., & Esposito, J. L. (1998). *Islam, gender, & social change*. New York: Oxford University Press.
- Hewitt, N. A. (2010). *No permanent waves: Recasting histories of U.S. feminism*. New Brunswick, N.J: Rutgers University Press.
- Hill, C. (2003). *The Changing Politics of Foreign Policy*. New York: Palgrave MacMillan.
- Ir Amim: Jerusalem Program Outline*. (2010). Retrieved March 10, 2015 from <http://www.jstreetu.org/wp-content/uploads/IR-AMIM-JERUSALEM-PROGRAM-OUTLINE.pdf>.
- Jones, S. (2012). *Hillary Clinton Offers "World Class" Education in the US to Women from Muslim Countries*, CNSNEWS, Retrieved December 20, 2014 from <http://cnsnews.com/news/article/hillary-clinton-offers-world-class-education-us-women-muslim-countries>.
- Kelly, R. M. (2001). *Gender, globalization, and democratization*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers.
- Kelley, R.J. (2010). *The New Diplomacy: Evolution of a Revolution*. *Democracy & Statecraft*, 12:2, 286-305.
- Kjerfve, B. (2014). *Op-ed: The State of Higher Education in the Middle East*, USNews, Retrieved November 5, 2014 from <http://www.usnews.com/news/college-of-tomorrow/articles/2014/12/17/op-ed-the-state-of-higher-education-in-the-middle-east>.
- Islam, KM B. (2014). *Issues in Women's Rights*. New Delhi: Allied Publishers.
- Lexi Curtice. (2015). Retrieved April 18, 2015 from https://www.linkedin.com/profile/view?id=56383826&authType=NAM E_SEARCH&authToken=AwTM&locale=en_US&srchid=3135267911432066074898&srchindex=1&srchttotal=1&trk=vsrp_people_res_name&trkInfo=VSRPsearchId%3A3135267911432066074898%2CVSRPtargetId%3A56383826%2CVSRPcmpt%3Aprimary%2CVSRPnm%3Atrue.
- Lock. E. (2009). *Soft Power and Strategy: Developing a 'Strategic Conception of Power'*, in Parmar, I., & Cox, M. (2010). *Soft power and US foreign policy: Theoretical, historical and contemporary perspectives*. London: Routledge.



- Luke, C. M., & Kersel, M. M. (2013). *U.S. cultural diplomacy and archaeology: Soft power, hard heritage*. New York: Routledge.
- Mark. S.L. (2010). *Rethinking Cultural Diplomacy*. Political science, 62:1, pp. 62-83.
- McCormick, J.M. *Diplomatic History*, in Hook, S. W., & Jones, C. M. (2012). *Routledge handbook of American foreign policy*. New York: Routledge.
- Mehta, B. J. (2014). *Dissident writings of Arab women: Voices against violence*. New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Mohanty, C. T. (2003). *Feminism without borders: Decolonizing theory, practicing solidarity*. Durham: Duke University Press. Mr. Y. (2011).
- Mottier, V. (2008). *Sexuality: A Very Short Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- MSI VP Discusses US Elections and the Role of Women*. (2012). Retrieved November 26, 2014 from <http://www.msiworldwide.com/2012/10/msi-vp-discusses-u-s-elections-and-role-of-women-in-politics-at-u-s-state-departments-techwomen-2012/>.
- Najla Ataallh. (2013). Retrieved at January 27, 2015 from <http://www.dev14.techwomen.org/techwomen-mentees/najlaa-ataallh>.
- National Review on Women's Status in Islamic Republic of Iran. (2015). Retrieved from http://www.unwomen.org/~media/headquarters/attachments/sections/csw/59/national_reviews/islamic_republic_of_iran_review_beijing20.ashx.
- National Security Strategy*. (2010). The White House, Retrieved October 4, 2014 from http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=2&ved=0CCKQFjAB&url=http%3A%2F%2Fwww.whitehouse.gov%2Fsite%2Fdefault%2Ffiles%2Frss_viewer%2Fnational_security_strategy.pdf&ei=eIV7VNmuC473apadgrO&usg=AFQjCNGFoJGF51OBMdOOydQZXriPCQJPwQ&bvm=bv.80642063,d.d2s.
- Neolova, O. et al. (2014). *Soft Power as a State's Foreign Policy Resource*, Globalistics and Globalization Studies, Moscow: Uchitel Publishing House, pp. 99-103.

- NEXXT Scholars Program*. (2013). Retrieved at June 2014 from <http://www.state.gov/e/stas/202507.htm>.
- NeXXt Scholars Matriculate at US Women's Colleges to Pursue STEM Careers*. (2012). Retrieved November 19, 2014 from <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2012/10/199153.htm>.
- Nye, J.S. (2011). *The Future of Power*, NY: PublicAffairs.
- Nye, J. S. (2009). *Understanding International Conflicts*. 7. ed. New York: Pearson.
- Nye, J. S. (2008). *Public Diplomacy and Soft Power*. The ANNALS of the American Academy for Political and Social Science, Issue 616, pp. 94-109.
- Nye, J.S. (2005). *Soft Power: the Means to Success in World Politics*, NY: PublicAffairs.
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: the means to success in world politics*. New York: Public Affairs.
- Nye, J.S. (2003). *The Velvet Hegemon*. Foreign Policy. Vol. 136, pp. 74-75.
- Nye, J.S. (1990). Soft Power, Foreign Policy, No.80, pp. 153-171.
- Nye, J.S. & Keohane, R.O. (1972). *Transnational Relations and World Politics*. Cambridge:Harvard University School of Design.
- Opening Doors: MENA Development Report*. (2013). New York: World Bank.
- Osama, A. (2006). *Muslim Science must Join the 21st Century*, SciDevNet, Retrieved October 28, 2014 from <http://www.scidev.net/global/innovation/opinion/muslim-science-must-join-the-21st-century.html>.
- Palley, M. L. (2009). *Women and politics around the world: A comparative history and survey*. Santa Barbara, Calif: ABC-CLIO.
- Parker, K. (2013). *Change We Can Believe In*, Retrieved October 5, 2014 from <http://www.irishexaminer.com/viewpoints/analysis/change-we-can-believe-in-227395.html>.
- Policy Guidance on Promoting Gender Equality*. (2012). Department of State, Retrieved November 3, 2014 from <http://www.state.gov/documents/organization/189379.pdf>.
- P.Schneider, C. (2009). *The Unrealized Potential of Cultural Diplomacy*. The Journal of Arts Management, Law and Society, 39:4, 260-279.



- P.Schneider, C. (2006). *Cultural Diplomacy: Where Is It When We Need It?*. The Ambassador REVIEW, Fall 2006.
- Ramsey, H. (2013). *Working Forum on WICTAD*, Retrieved at November 25, 2014 from <https://www.techwomen.org/professional-development-2/working-forum-on-women-information-and-communication-technologies-and-development-wictad>.
- Rasmussen, C. *Some Theoretical Perspectives of Women in the Modern World* in Gelb, J., & Ronfeldt, D. & Arquilla, J. (1999). *What if there is a revolution in diplomatic affairs?*. United States Institute of Peace Virtual Diplomacy Website, Retrieved October 27, 2014 from www.usip.org/virtualdiplomacy/publication/reports/ronarqISA99.html.
- Rutgers Student Tapped for First Group of NeXt Scholars: US State Department Initiative Nurturing a Generation of Muslim Women in Sciences.* (2015). Retrieved at March 18, 2015 from <http://soe.rutgers.edu/story/rutgers-student-tapped-first-group-nexxt-scholars-us-state-department-initiative-nurturing>.
- Sanday, P. R., & Goodenough, R. G. (1990). *Beyond the second sex: New directions in the anthropology of gender*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Schacht, S. P., & Ewing, D. W. (2004). *Feminism with men: Bridging the gender gap*. Lanham, Md: Rowman & Littlefield.
- Secretary Clinton Announces the NeXt Scholars Initiative.* (2012). Retrieved January 22, 2015 from <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2012/01/180291.htm>.
- Sheriden, M.B. (2009). *Hillary Clinton Signals that She Intends to Make Women's Rights a Signature Issue*. The Washington Post, Retrieved November 22, 2014 from <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2009/08/17/AR2009081702379.html>.
- Shoemaker, J. (2012). *The US National Action Plan on Women, Peace, security*. Retrieved October 23, 2014 from <http://csis.org/publication/us-national-action-plan-women-peace-and-security>.
- Slaughter, A. (2011). *Preface on a National Strategic Narrative*, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Retrieved August 24, 2014 from

<http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/A%20National%20Strategic%20Narrative.pdf>.

Stover, W.J. (2006). *Teaching and Learning Empathy*. Political science Education, 1:2, pp.207-219.

Strategy to Prevent and Respond to Gender-based Violence Globally. (2012). Retrieved October 26, 2014 from <http://www.state.gov/documents/organization/196468.pdf>.

TechWomen Canada Sponsors. (2014). Retrieved at April 14, 2015 from www.thec100.org/programs/techwomen-canada.

TechWomen Mentees. (2013). Retrieved at December 26, 2014 from <https://www.techwomen.org/techwomen-mentees>.

TechWomen Network at a Glance. (2015). Retrieved at March 13, 2015 from <https://www.techwomen.org/2015-program/program-update-summer-preview-2>.

TechWomen Overview. (2015). Retrieved at March 13, 2015 from <https://www.techwomen.org/program/overview>.

TechWomen Partners. (2014). Retrieved April 23, 2015 <https://www.techwomen.org/get-involved/partners>.

The First Quadrennial Diplomacy and Development Review (QDDR). (2010). Department of State, Retrieved August 23, 2014 from <http://www.state.gov/documents/organization/153109.pdf>.

The Global Gender Gap. (2014). World Economic Forum, Retrieved October 17, 2014 from <http://www.weforum.org/reports/global-gender-gap-report-2014>.

Think Steve Jobs. (2012). Retrieved at July 18, 2014 from <http://www.ibtimes.com/think-steve-jobs-10-emerging-tech-women-middle-east-you-should-know-about-924701>.

Thomas, G. (2011). *A Typology for the Case Study*, Qualitative Inquiry, 17 (6): pp.511-521.

2014 MEPI Student Leaders Program. (2014). Retrieved December 19, 2014 from <http://tunisia.usembassy.gov/2014-mepi-student-leaders.html>.

2014 TechGirls Application Form. (2014). Retrieved December 10, 2014 from <http://photos.state.gov/libraries/tunisia/231771/PDFs/techgirls%20application%20form.pdf>.



- U.S. National Action Plan (NAP) on Women, Peace, and Security.* (2011). The White House, October 1, 2014 from http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&ved=0CB8QFjAA&url=http%3A%2F%2Fwww.whitehouse.gov%2Fsite%2Fdefault%2Ffiles%2Femailfiles%2FUS_National_Action_Plan_on_Women_Peace_and_Security.pdf&ei=PoZ7VLiYJNbiapy3gLAD&usg=AFQjCNEeTum0h6IF8C3WEwS6xOZzYvG48A&bvm=bv.80642063,d.d2s.
- Universal Declaration of Human Rights.* (1948). Retrieved July 15, 2014 from <http://www.un.org/en/documents/udhr/>.
- Views of the U.S. and American Foreign Policy.* (2012). Pew Research Center, Retrieved October 9, 2014 from <http://www.pewglobal.org/2012/06/13/chapter-1-views-of-the-u-s-and-american-foreign-policy-4/>.
- Walby, S. (2009). *Globalization and Inequalities: Complexity and Contested Modernities.* London: Sage.
- Walsley, L. (2011). It's Time for Technology Tuesdays, Retrieved July 12, 2014 from <http://www.beenaproject.com/?p=1898>.
- Waqas, M. (2013). *Women Enrollment Drives Demand for Tertiary Education,* Arabian Cazette, Retrieved October 29, 2014 from <http://www.arabiangazette.com/women-enrollment-drives-demand-for-tertiary-education-20130303/>.
- Willets, p. (2008). *Transnational Actors in International Organizations in Global Politics,* in Baylis, J., Smith, S. & Owens, P., eds, *The Globalization of World Politics.* Fourth Edition, Oxford: Oxford Publications.
- Wilson Enrolls Palestinian Student as NEXXT Scholar.* (2012). Retrieved June 23, 2014 from <http://www.wilson.edu/news/spotlight/index.aspx?pageaction=ViewSinglePublic&LinkID=1390&ModuleID=19>.
- Who We Are, TechWomen.* (2015). Retrieved at March 10, 2015 from <https://www.techwomen.org/about-us/who-we-are>.
- Wright, E. O. (1997). *Class counts: Comparative studies in class analysis.* Cambridge: Cambridge University Press.
- Yeğenoğlu, M. (1998). *Colonial fantasies: Towards a feminist reading of Orientalism.* Cambridge, U.K: Cambridge University Press.